



The Theory of Meaning-Centered Quranic Recitation Principles According to Imam Khamenei *

Mohammad Ali Khorrami ¹ and Mohammad Amini Tehrani ²

Abstract



One of the effective methods of preaching of Islam is the recitation of the Quran with a beautiful voice and melodious tone, which has always been a focus of attention. Meaning-centered recitation is a form of Quranic recitation in which the reciter, in addition to emphasizing the external beauty of recitation, such as voice and tone, gives importance to understanding the meanings and concepts of the verses and conveying them to the listeners, thereby impacting their hearts and minds. This style enables the reciter to not only perform the Quran artistically with a beautiful voice but also to communicate divine messages in a profound and impactful manner. Familiarity with and mastery of its principles are essential to achieving this type of recitation. Meaning-centered recitation significantly influences both the reciter and the audience and has garnered special attention in recent years. Imam Khamenei has often addressed these principles in his discourses with Quran reciters, emphasizing their importance. Using a descriptive-analytical method and library-based sources, this study examines the theory of meaning-centered Quranic recitation principles from his perspective. The five foundational principles discussed are: 1. Principles of Quranic Sciences ('Ulum al-Quran), 2. Phonological Principles ('Ilm al-Aswat), 3. Musical Principles (Usul al-Tajweed wa al-Nagham), 4. Exegetical Principles (Mabani Tafsiriyya), 5. Rules of Pausing and Resuming (Ahkam al-Waqf wa al-Ibtida'). These principles provide a foundation for better understanding of the verses, encourage reflective recitation, and enhance the reciter's ability to profoundly impact their audience. While some principles pertain to general aspects of recitation, others are directly linked to the quality of Quranic performance.

Keywords: Quranic Recitation, Recitation Principles, Recitation Techniques, Meaning-Centered Recitation, Impactful Recitation.

*. **Date of receiving:** 16/10/2023, **Date of Revised:** 13/01/2024, **Date of approval:** 14/05/2024.

1. PhD Candidate in Comparative Interpretation of the Quran, University of Quranic Sciences and Education, Qom, Iran (Corresponding Author). m.a.khorramii@gmail.com.

2. Assistant Professor, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. mohamad_aminitehrani@miu.ac.ir.



نظریه مبانی تلاوت معنامحور قرآن کریم امام خامنه‌ای *

محمدعلی خرمی^۱ و محمد امینی تهرانی^۲



چکیده

یکی از شیوه‌های مؤثر در تبلیغ دین اسلام، تلاوت قرآن کریم با صوت و لحن زیبا است که همواره مورد توجه قرار گرفته است. تلاوت معنامحور، نوعی تلاوت است که قاری علاوه بر توجه به زیبایی‌های ظاهری تلاوت قرآن مانند صوت و لحن زیبا، به مفاهیم و معانی آیات و همچنین انتقال آن‌ها به مستمعان و اثرگذاری در آنان نیز اهمیت می‌دهد. این نوع تلاوت، قاری را قادر می‌سازد تا نه تنها قرآن را به شکلی هنرمندانه و با صوت زیبا بخواند، بلکه پیام‌های الهی را به شیوه‌ای تأثیرگذار منتقل کند. برای دستیابی به تلاوت معنامحور، آشنایی و تسلط بر مبانی آن ضروری است. این نوع تلاوت، تأثیر زیادی بر قاری و مستمعان دارد و در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به آن شده است. معظم رهبری نیز در بسیاری از بیانات خود در میان قاریان به این مبانی اشاره کرده و بر اهمیت آن‌ها تأکید نموده‌اند. در این پژوهش، با روش توصیفی تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به بررسی نظریه مبانی تلاوت معنامحور از دیدگاه ایشان پرداخته شده است و پنج مبنایی که در تلاوت معنامحور کاربرد دارند مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. این مبانی شامل: ۱. مبانی علوم قرآنی؛ ۲. مبانی آواشناسانه؛ ۳. مبانی موسیقایی؛ ۴. مبانی تفسیری؛ ۵. مبانی وقف و ابتدا. این مبانی بستر لازم برای فهم بهتر آیات و تلاوت قرآن با تدبر و درک را فراهم می‌کنند و زمینه را برای تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطبان مهیا می‌سازند. برخی از این مبانی ناظر به مسائل کلی قرائت هستند و برخی دیگر به صورت مستقیم با کیفیت تلاوت قرآن در ارتباط هستند. واژگان کلیدی: تلاوت قرآن، مبانی تلاوت، فنون تلاوت، تلاوت معنامحور، تلاوت تأثیرگذار.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۶ و تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵.

۱. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی قرآن کریم دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم ایران (نویسنده مسئول) m.a.khorramii@gmail.com

۲. استادیار جامعه المصطفی ص العالمية، قم، ایران: mohamad_aminitehrani@miu.ac.ir



مقدمه

تلاوت معنامحور نوعی قرائت قرآن کریم است که در آن، قاری توجه و تأکید خود را بر فهم و درک مفاهیم و معانی آیات الهی معطوف می‌کند. در این روش، صرف تلاوت صحیح و لحن خوش کافی نبوده و قاری تلاش می‌کند تا با تدبیر و تأمل در آیات، پیام و مقصود خداوند متعال را درک نماید و آن را به گونه‌ای به مستمعان ارائه دهد که در جان و دل آنان اثر بگذارد. برای رسیدن به درجه‌های عالی این مسئله، شناخت و اجرای تلاوت بر اساس مبانی تلاوت معنامحور امری ضروری است.

مبانی تلاوت معنامحور، مجموعه‌ای از اصول و پیش‌فرض‌ها را شامل می‌شود که چارچوبی نظری و عملی برای قرائت صحیح و تأثیرگذار از کلام الهی ارائه می‌دهد. تسلط بر این مبانی، زمینه‌ای برای درک بهتر مفاهیم و معانی آیات قرآن کریم فراهم کرده و بستری مناسب برای تدبیر و تعمق در آیات قرآن کریم ایجاد می‌کند. با شناخت این مبانی، می‌توان در ورای الفاظ و معانی ظاهری آیات، لایه‌های عمیق‌تر مفاهیم را کشف کرده و با تکنیک‌های مخصوص آن‌ها را به مخاطب نیز انتقال داد.

برخی از نگاه‌های مرتبط به شرح زیر منتشر شده‌اند، اما هیچ‌کدام ارتباط مستقیمی با مسئله این مقاله ندارند:

۱. آقای امین میرزایی در کتاب «الزمن الجمیل» (۱۳۸۸) تلاش نموده است با شیوه تحقیقی و رویکرد پژوهشگرانه، چکیده‌ای از آنچه تاکنون در زمینه تکوین و تکامل حرفه تلاوت قرآن روی داده است، به تصویر بکشد و در بخشی از کتاب خویش در مورد چگونگی تلاوت معنامحور توسط اساتید مصری مطالبی آورده است.

۲. آقای غلامرضا شاه میوه اصفهانی، نویسنده کتاب «مهارت‌های تنغیمی و القا معانی در هنر تلاوت قرآن» (۱۳۹۴)، کتاب خود را در دو فصل تدوین نموده است. فصل اول به بررسی مهارت‌های تنغیمی در تلاوت قرآن اختصاص دارد و فصل دوم به آموزش مهارت‌های القای معانی می‌پردازد. این مهارت‌ها در واقع همان اصول و روش‌های مربوط به تلاوت معنامحور را شامل می‌شوند.

۳. آقای داوود خلوصی، مرتضی ابروانی نجفی و سهیلا پیروفر در مقاله «واکاوی الحان ممدوح در کلام نبوی» (۱۳۹۶) به بررسی ویژگی‌های الحان عرب قبل از اسلام و دوران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرداخته‌اند. همچنین، در این مقاله آیات و روایات مرتبط با الحان نیکو گردآوری شده است. این روایات شامل بخشی از مهارت‌های تلاوت معنامحور هستند.

این کتاب‌ها و مقالات به صورت جزئی به مباحثی از تلاوت معنامحور پرداخته‌اند، اما هیچ‌یک به طور مستقل و جامع به بررسی مبانی تلاوت معنامحور نپرداخته‌اند. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده در

میان مقالات، پایان نامه‌ها و کتاب‌های موجود، تاکنون پژوهش یا اثری که به صورت تخصصی و کامل به این موضوع پرداخته باشد، نگاشته نشده است. در این پژوهش، تلاش خواهد شد تا به صورت اختصاصی و جامع، مبانی تلاوت معنامحور مورد بررسی قرار گیرد.

روش پژوهش: در مقاله حاضر تحت عنوان «مبانی تلاوت معنامحور قرآن کریم»، از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است. این روش به پژوهشگر امکان می‌دهد که با بررسی و تحلیل مبانی مختلف، درک دقیق‌تری از تلاوت معنامحور به دست آورد. در این تحقیق، پنج مبنای اصلی مورد بررسی قرار گرفته است که شامل: ۱. مبانی وقف و ابتدا؛ ۲. مبانی آواشناسانه؛ ۳. مبانی موسیقایی؛ ۴. مبانی تفسیری؛ ۵. مبانی علوم قرآنی.

با اتخاذ این رویکرد، تلاش شده است تا ارتباط میان این مبانی و تأثیر آن‌ها بر تلاوت معنامحور قرآن کریم تبیین شود. این پژوهش به دنبال ارائه الگوهای مفهومی و عملی است که می‌تواند به بهبود کیفیت تلاوت و فهم عمیق‌تر از معانی آیات قرآن کمک کند.

الف. مفهوم‌شناسی

در آغاز بحث، به منظور درک دقیق‌تر عنوان پژوهش و اهداف نویسنده، ضروری است که به تعریف و تبیین دقیق واژگان و اصطلاحات به‌کاررفته در تحقیق پرداخته شود. این اقدام نه تنها موجب آشنایی بیشتر خواننده با اصطلاحات تخصصی و مقصود نویسنده خواهد شد، بلکه بستری مناسب برای ورود به مباحث تخصصی مقاله فراهم می‌کند.

۱. مبانی

یکی از واژه‌هایی که در عنوان تحقیق به کار رفته، واژه «مبانی» است. در ابتدا به معنای لغوی و سپس به معنای اصطلاحی آن پرداخته می‌شود.

واژه «مبانی» از لحاظ صرفی، جمع مکسر واژه «مبنا» است که از ریشه «بني» مشتق شده است. در فرهنگ زبان فارسی، این واژه به معنای عمارت‌ها، بناها، بنیان‌ها، بنیادها، اساس‌ها و پایه‌ها آمده است (نفیسی، ۱۳۴۲: ۳۰۳۲/۴؛ انوری، ۱۳۸۴: ۲۲۸؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳/۱۳۰۹۹/۲۰۰۹۹). ریشه «بني» در لغت عرب به معنای بنا کردن، ساختن خانه و همچنین نیکی کردن است. از آنجا که حروف هجائیه به واسطه تشکیل کلمات آیات، اسماء الهی و واژگان زبان‌ها در حکم اساس زبان‌اند، به این حروف «مبانی» اطلاق شده است و آن‌ها به ساختمان‌ها و بناها تشبیه شده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۱۳/۱).



در تعریف اصطلاحی «مبانی»، تعاریف گوناگونی ارائه شده است که از لحاظ مفهومی شباهت زیادی به یکدیگر دارند. برای نمونه، حکیم سبزواری «مبانی» را این‌گونه تعریف کرده است: «به طور کلی، مبانی هر علم، باورهای بنیادینی هستند که در قالب مجموعه‌ای از قضایا بخشی از مبادی تصدیقی آن علم را تشکیل داده و اصول موضوعه آن علم به شمار می‌آیند و مسائل آن علم بر این مبانی استوار می‌شوند» (سبزواری، ۱۴۱۷: ۸۷/۱-۸۸).

تعریف دیگری که نسبت به تعریف سبزواری جامع‌تر به نظر می‌رسد، از سوی رضایی اصفهانی ارائه شده است. او بیان می‌کند: «مبادی تصویری و تصدیقی هر علم که آگاهی از آن‌ها و تعریف و انتخاب مبنا در مورد آن‌ها، پیش از پرداختن به آن علم ضروری است» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۷). این تعریف به دلیل شمولیت آن بر مبادی تصویری، نسبت به تعریف قبلی جامع‌تر و کامل‌تر محسوب می‌شود. با توجه به تعاریف فوق از مبنا، روشن می‌شود که آن دسته از باورهایی که قبل از تلاوت معنامحور باید مورد پذیرش قاری قرآن قرار گیرد و در تلاوت وی و انتخاب قواعد و روش‌های تلاوت وی تأثیرگذار است، مبانی تلاوت معنامحور نامیده می‌شود.

۲. تلاوت

یکی از واژه‌هایی که در این پژوهش بسیار مورد استفاده قرار گرفته است واژه «تلاوت» است. در ادامه به معنای لغوی و سپس به معنای اصطلاحی آن پرداخته می‌شود.

واژه «تلاوت» مصدر فعل ثلاثی مجرد «تَلَا یَتْلُو» است (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۴/۲۲۵). در فرهنگ فارسی به معنای «خواندن» و «خواندن با اندیشه و تأمل» آمده است (نفیسی، ۱۳۴۲: ۲/۹۵۳؛ دهخدا، ۱۳۹۰: ۱/۷۷۲) و به دو صورت متعدی بنفسه و با حرف جر «عن» به کار می‌رود؛ مانند: «تلاه» به معنای پیروی کردن از او و «تلا عنه» به معنای ترک کردن و عدم یاری (بستانی، ۱۳۷۵: ۲۵۳). این واژه در اصل به معنای «تبعیت کردن» است (مهنا، ۱۴۱۳: ۱/۱۳۳؛ ابن منظور، بی تا، ۱۴/۱۰۲؛ مصطفی، ۱۹۸۹: ۸۷/۱؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۹/۴۶۰؛ ابن سیده، ۱۴۲۱: ۹/۵۳۵).

راغب اصفهانی معنای «تلاه» را نوعی تبعیت می‌داند که هیچ چیز خارجی میان آن‌ها حائل نشده باشد. تبعیت گاهی با جسم، گاهی در پیروی از حکم و گاهی با تدبیر و تأمل در معانی صورت می‌گیرد که در حالت اخیر، مصدر آن «تلاوت» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۶۷). درباره مفهوم تبعیت در تلاوت قرآن، نظرات متعددی مطرح شده است. ابن فارس معتقد است که تلاوت قرآن به معنای دنبال کردن آیه به آیه است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱/۳۵۱).

جرمی، تبعیت در تلاوت را به معنای پیروی از دستورات قرآن، هدایت شدن به هدایت آن و دوری از نواهی آن می‌داند (جرمی، ۱۴۲۲: ۱۰۴). سخاوی نیز تبعیت در تلاوت را به معنای پیروی قاری از آنچه خداوند نازل کرده، می‌داند (سخاوی، ۱۴۱۹: ۳۱۳/۱).

در اصطلاح، تلاوت به معنای خواندن آیات قرآن همراه با تدبیر در آن‌ها است، و از آن جهت «تلاوت» نامیده می‌شود که قاری در پی معانی و کلمات الهی می‌رود. تلاوت با قرائت تفاوت دارد؛ قرائت به معنای جمع کردن حروف و کلمات است، درحالی‌که تلاوت به معنای پشت سر هم قرار دادن و پیروی کردن از آن‌هاست.

راغب اصفهانی همچنین تلاوت را مختص به کتب آسمانی دانسته و آن را اخص از قرائت می‌داند؛ به این معنا که هر تلاوتی، قرائت است، اما هر قرائتی تلاوت نیست. به‌عنوان مثال، نمی‌توان گفت «نامه تو را تلاوت کردم» (قرشی: ۲۷۸/۱).

باین‌حال، به نظر می‌رسد که در زمان حاضر در میان جامعه قرآنی، این دو واژه تفاوت چندانی ندارند و به‌جای یکدیگر به‌کار می‌روند. برای نمونه، وقتی گفته می‌شود «مجلس قرائت قرآن» یا «مجلس تلاوت قرآن»، هر دو یک معنا را می‌رسانند؛ یعنی مجلسی که در آن قرآن خوانده می‌شود. قرائت قرآن نیز می‌تواند با تدبیر انجام شود و اختصاصی به تلاوت ندارد ولی در اصطلاح تخصصی علم قرائت معنای خاصی است و بحث از اختلاف قرائت را هم شامل می‌شود در حالی‌که تلاوت اصطلاحی چنین معنایی ندارد.

۳. معنامحور

در این بخش لازم است معنای این واژه به صورت واضح مورد بحث قرار گیرد تا مراد نویسنده از این واژه مشخص گردد.

واژه «معنی» از ریشه «ع ن ی» و از فعل «عَنَا یَعْنِي وَ یَعْنُو» گرفته شده است و در فرهنگ لغت فارسی و فرهنگ لغت عربی معاصر به معنای «مقصود از چیزی» آمده است؛ به‌طوری‌که «معنی الکلمة» به معنای مدلول کلمه و «معنی الکلام» به معنای مضمون کلام است (معلوف، ۱۳۷۱: ۵۳۵/۱؛ بستانی، ۱۳۷۵: ۸۴۱). این واژه وقتی به‌صورت متعدی بنفسه استعمال شود، به معنای اهتمام، توجه و اهمیت دادن است و «عَنَاةُ الْأَمْرِ» به معنای «أَهْمَّة» می‌باشد، اما زمانی که با حرف جر «باء» استعمال شود، به معنای اراده و قصد است. زبیدی و جوهری در این باره می‌نویسند: «عَنَى بِالْقَوْلِ كَذَا یَعْنِي: أَرَادَ وَ قَصَدَ» (زبیدی، ۱۴۱۴: ۷۱۰/۱۹؛ جوهری، ۱۴۰۴: ۲۴۴۰/۶).



بنابراین، واژه «معنی» به معنای مضمون و مقصود است و ما در معنا به دنبال مقصود و مراد متکلم هستیم. «معنامحوری» یکی از اصطلاحات جدید و معاصر است که هرچند در گذشته تلاوت معنامحور انجام گرفته، اما به این اصطلاح اشاره نشده است. معنامحوری در تلاوت قرآن به معنای تلاوت قرآن با توجه به معنا و مفهوم آیات است، به گونه‌ای که قاری با آشنا شدن با مبانی و فراگیری برخی علوم مورد نیاز، بتواند با مهارت‌های صوتی و لحنی و دیگر مهارت‌ها، نهایت استفاده را از تلاوت خود ببرد و تأثیر قابل توجهی بر مستمعان بگذارد.

معنامحوری، مفهومی گسترده در تلاوت قرآن کریم است که عوامل متعددی در آن نقش دارند؛ از شناخت و استفاده مطلوب از محل وقف و ابتدا گرفته تا صوت، لحن، نوع قرائت و همه اموری که در انتقال معنا به مخاطب تأثیرگذار هستند. مجموعه این عوامل، تلاوتی را شکل می‌دهد که زمینه انتقال مفاهیم آیات به مخاطب را فراهم می‌سازد و نتیجه‌اش اثرگذاری عمیق بر مخاطب خواهد بود.

با بررسی منابع قدیمی، مشخص می‌شود که توجه به معانی آیات، کیفیت ادای آن‌ها و نوع نغمات در تلاوت قرآن مورد اهمیت بوده است. به عنوان مثال، در قصیده «العقد الفرید» که توسط محمد بن محمود السمرقندی (متوفی ۷۸۰ق) سروده شده، به نحوه بیان «ما» از نظر تأکید یا تکیه در حالات مختلف مانند نفی، انکار، استفهام و موصول اشاره شده است. همچنین، نحوه بیان ادات دیگر مانند همزه استفهام، من، آن، این، افعال تفضیل، کیف، هل و لا در زبان عرب و به تبع آن در قرآن کریم نیز مطرح شده است (غانم قدوری، ۱۴۲۴: ۴۷۹).

در منبع دیگری به نام «خلاصة العجالة» نوشته درکزلی، کیفیت تلاوت آیات بر اساس مفاهیم و تعبیر مختلف از قول برخی از اهل تحقیق بیان شده است. به طور خاص، قاری شایسته است که قرآن را بر هفت نغمه بخواند؛ به نحوی که آیات مربوط به اسماء و صفات الهی را با تأکید و عظمت تلاوت کند، آیاتی که مربوط به تهمت‌ها و افتراها هستند را به صورت آرام و آهسته بخواند، و در مقابل، آیاتی که در جواب این افتراها آمده‌اند را با صدا و قوت بلند بخواند.

همچنین، آیاتی که بهشت را یادآور می‌شوند باید با شوق و طرب خوانده شوند، در حالی که آیاتی که از عذاب جهنم سخن می‌گویند باید با حالت خوف و ترس خوانده شوند. آیات مربوط به دستورات الهی باید با حالت اطاعت و رغبت تلاوت شوند و در نهایت، آیاتی که مربوط به مسائل نهی شده هستند باید با حالت انابه و ترس بیان شوند (درکزلی، ۱۴۳۳: ۳۰۵/۲).

ب. مبانی تلاوت معنامحور

تلاوت معنامحور قرآن، فراتر از زیبایی صوت و لحن است و قاری برای دستیابی به این هدف، نیازمند آشنایی و تسلط بر مبانی و علوم مرتبط است. تلاوتی که بدون توجه به این مبانی و مهارت‌های مربوطه انجام شود، تأثیر مطلوب را نخواهد داشت و حتی اگر زیبا باشد، تنها جنبه موسیقایی آن مورد توجه قرار می‌گیرد و اثر مطلوبی بر مخاطب نخواهد گذاشت. در طرح گرافیکی پیش رو، مبانی تلاوت معنامحور در نقطه کانونی قرار گرفته و مبانی مطرح شده در مقاله حول محور آن تنظیم گردیده‌اند.



۱. مبانی علوم قرآنی

بخشی از مبانی تلاوت معنامحور به علوم قرآنی مرتبط است. علوم قرآنی شامل مجموعه‌ای از مسائل است که به بررسی جنبه‌های مختلف قرآن کریم مانند نزول، کتابت، جمع‌آوری، ترتیب در مصاحف، تفسیر الفاظ، بیان خصائص، تبیین اغراض و عدم تحریف قرآن و... می‌پردازد (صبحی، ۱۳۷۲: ۱۰؛ سعیدی روشن، بی تا، ۱۳). این علوم که به مباحث خارج از متن قرآن نیز توجه دارد، به فهم بهتر و عمیق‌تر قرآن کمک می‌کند (حسنی، ۱۳۹۲: ۳۱). در ادامه، برخی از مبانی مهم تلاوت معنامحور که مرتبط با این علوم هستند، بررسی می‌شوند.

۱-۱. مبنای قرائت صحیح قرآن

یکی از مبانی اساسی در تلاوت معنامحور، مبنای قرائت صحیح است. قرائت صحیح به عنوان پایه‌ی تلاوت معنامحور است و بدون آن، تلاوت قاری اثرگذاری لازم را در مخاطب نخواهد داشت. برخی از



دانشمندان علوم قرآنی، شرایطی را برای قرائت صحیح قرآن مطرح کرده‌اند. ابن جزری سه شرط اصلی برای قرائت صحیح را بیان کرده است: اول، داشتن سند معتبر و متصل به یکی از صحابه؛ دوم، مطابقت با رسم الخط مصاحف معتبر؛ و سوم، همخوانی با قواعد ادبی زبان عربی (ابن جزری، بی تا، ۹/۱). اگر یکی از این شروط رعایت نشود، آن قرائت شاذ و مردود تلقی می‌شود.

در تلاوت قرآن، ضروری نیست که قرائت‌ها کاملاً مطابق با قواعد زبان عربی باشند و اگر قرائتی با یکی از لغت‌های عربی، حتی اگر نامشهور باشد، مطابقت داشته باشد، آن قرائت صحیح است. علمای نحو در توجیه قرائت‌هایی که با قواعد مشهور عربی مغایرت دارند اما از سوی قاریان سبعه نقل شده و مورد قبول هستند، گفته‌اند که تطابق با قواعد مشهور ضرورتی ندارد و کافی است که قرائت با یکی از لغت‌های قبائل عربی همخوانی داشته باشد.

آیت‌الله معرفت نیز قرائت صحیح را قرائتی دانسته‌اند که با قرائتی که جمهور مسلمین به صورت سینه‌به‌سینه از پیامبر ﷺ نقل کرده‌اند، مطابقت داشته باشد که قرائت حفص نمایانگر آن است. ایشان سه شرط اصلی را برای قرائت صحیح بیان می‌کنند: موافقت با ثبت مصحف‌های موجود، موافقت با فصیح‌ترین و معروف‌ترین اصول و قواعد لغت عرب، توافق با اصول ثابت شریعت و احکام قطعی عقلی (معرفت، ۱۳۸۷: ۹۴).

به نظر می‌رسد نظریه آیت‌الله معرفت برگرفته از روایتی است که در آن نقل شده است مردی برای حضرت صادق ﷺ قرآن می‌خواند (و آن حضرت گوش می‌داد) و من شنیدم که حروفی از آن که می‌خواند آن طور که مردم می‌خوانند نبود (و از نظر حروف و قرائت تفاوت داشت با آنچه مردم می‌خوانند). حضرت صادق ﷺ فرمود: از این قرائت خودداری کن (و این گونه نخوان بلکه) همانسان که مردم قرائت می‌کنند (و می‌خوانند) تو نیز بخوان (کلینی، ۱۴۰۷: ۲، حدیث ۲۳).

قاری قرآن باید اصول و مبانی خود را در ارتباط با قرائت صحیح به‌طور دقیق مشخص کند و تلاوت خود را بر اساس آن قرائت صحیح استوار سازد.

۲-۱. مبانی قرائت شاذ

یکی از مبانی علوم قرآنی تلاوت معنامحور، مبانی قرائت شاذ است. در مورد تعریف دقیق و ملاک‌های تعیین قرائت شاذ در میان دانشمندان علوم قرآنی اختلاف نظر واقع شده است. یک دیدگاه مشهور که ابن سبکی در کتاب «جمع الجوامع» آن را مطرح کرده، این است که هر قرائتی که خارج از محدوده قرائت‌های مشهور باشد، شاذ تلقی می‌شود. ابن سبکی می‌نویسد: «خواندن قرائت شاذ جایز نیست و بنا بر نظر صحیح، هر قرائتی غیر از قرائت‌های ده‌گانه شاذ است» (ابن سبکی، ۱۴۲۴: ۲۱).

این دیدگاه توسط علمای دیگری همچون بغوی و شیخ الامام نیز تأیید شده است و بر پایه این نظر، قرائاتی که به ده‌گانه مشهور نیستند، شاذّ و نامعتبر محسوب می‌شوند.

در مقابل، ابن جزری نظریه‌ای متفاوت را مطرح می‌کند. او قرائت شاذّ را به عنوان قرائتی تعریف می‌کند که هر چند سند آن صحیح است، اما به مرتبه تواتر و شهرتی که مردم آن را به عنوان قرائت مقبول بشناسند، نرسیده است. از نظر ابن جزری، این قرائات، چه موافق رسم الخط مصحف عثمانی باشند یا نباشند، در زمره قرائات شاذّ قرار می‌گیرند (ابن جزری، ۱۴۲۰: ۱۸).

مقام معظم رهبری در بخشی از بیانات خویش در مورد قرائات شاذّ فرمودند: «بعضی از قراء مصری که ما دعوت کردیم و آمدند در طول این چند سال، تقید داشتند که انواع و اقسام قرائتها را بخوانند. حالا بنده چون خیلی مسلط نیستم، نمی‌توانم قطعاً بگویم که اینها قرائتهای شاذ را هم می‌خواندند. ما چهارده قرائت داریم، علاوه بر آنها چند قرائت شاذ هم داریم. من احتمال می‌دهم حتی بعضی از آنها در تلاوتهایشان مقید بودند همین طور پی‌درپی تکرار که می‌کنند قرائتهای مختلف را، قرائتهای شاذ را هم بخوانند؛ این به نظر من هیچ وجهی ندارد، هیچ «ذکری» در این وجود ندارد، هیچ دعوتی در این وجود ندارد» (بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۴۰۱/۱/۱۴، farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49983).

از دیدگاه مقام معظم رهبری، تسلط بر قرائات مختلف و استفاده بجا و مطلوب از آن می‌تواند تأثیر زیادی در انتقال معانی به مستمعان داشته باشد ولی برخی از قرائت‌های شاذّ و حتی اختلاف قرائت‌های غیر هدفمند از دیدگاه ایشان مطلوب نیست. چنانچه در قسمتی از بیانات خویش فرمودند: «اختلاف قرائت را بعضی‌ها [فقط] برای خودنمایی می‌خوانند، یعنی واقعاً هیچ فایده‌ای ندارد؛ قرائتهای شاذّ و ضعیف، قرائتهای مهجور. گاهی اوقات یک آیه را مثلاً فرض کنید که در پنج شش قرائت به شکل مختلف تکرار می‌کنند، هیچ فایده‌ای هم ندارد. این جور اختلاف قرائت خواندن خیلی مطلوب نیست، بنده هیچ توصیه نمی‌کنم... بعضی از اختلاف قرائتها خیلی خوب است، اما یک جاهایی هست که اختلاف قرائت - که موجب تکرار می‌شود- هیچ فایده‌ای برای اثرگذاری ندارد؛ هیچ؛ گاهی اوقات حتی یک مقداری ذهن را دور هم می‌کند، متوجه یک چیزهای دیگر می‌کند» (بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۴۰۲/۱/۳، farsi.khamenei.ir/speech-content?id=52299).

قاری که می‌خواهد تلاوت معنماحور انجام بدهد باید مبنای خود را نسبت به قرائت شاذّ انتخاب نموده و از برخی قرائات شاذّ که عمدتاً ناشی از اجتهاد برخی از قراء هستند دوری نماید؛ زیرا قرائتی که



از اجتهاد شخص قاری سرچشمه گرفته است غیر از قرآنتی است که خداوند در قرآن نسبت به آن دستور داده است. چنانچه در برخی از آیات بیان شده است که «أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ» یعنی آن آیاتی را که خداوند بر تو وحی کرده است آن را بخوان و شخص قاری باید از قرآنتی که از اجتهاد قاری سرچشمه گرفته است دوری نماید.

۳-۱. مبنای تعدد قرائت در یک تلاوت

قاری قرآن پیش از آغاز تلاوت باید مبنای خود را در خصوص استفاده از قرائت‌های مختلف مشخص کند. یکی از سوالات اساسی در این زمینه این است که آیا یک قاری می‌تواند در یک تلاوت از روش‌های مختلف قاریان استفاده کند یا هر تلاوت باید به یک قرائت خاص محدود شود. بر اساس این نگرش، اگر قاری قصد داشته باشد از روایات قاری دیگری پیروی کند، لازم است تلاوتی مستقل بر اساس آن روایت انجام دهد و استفاده همزمان از چند قرائت در یک تلاوت مجاز نیست. این جزئی به این نکته اشاره می‌کند که قاریان و اساتید پیشین اجازه جمع میان دو یا چند قرائت در یک تلاوت را نمی‌دادند و هر قاری تنها مجاز بود از یک روایت در هر تلاوت بهره ببرد؛ این رویه تا قرن پنجم هجری ادامه داشت. اما پس از این دوره، با ظهور قاریانی چون ابوعمرو الدانی، ابن شیطا الاهوازی و هذلی، این رویکرد دستخوش تغییر شد (ابن جزری، بی‌تا، ۱۹۵/۲).

مسئله‌ای که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان در یک تلاوت از قرائت‌های مختلف استفاده کرد. به عنوان مثال، آیا قاری می‌تواند ابتدا بر اساس روایت بّری تلاوت کند، سپس در دور دوم بر اساس روایت قبل و در دور سوم میان این دو قرائت جمع نماید؟

این موضوع همچنین در قرائت معنامحور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مقام معظم رهبری تعدد قرائت در یک تلاوت را در صورتی که در انتقال معنا به مخاطب تأثیر داشته باشد، امری مطلوب دانسته و در این زمینه تلاوت استاد عبدالباسط را مثال زده و فرمودند: «تلاوت عبدالباسط است در سوره یوسف، هَيْتَ لَكَ، که همین طور پشت سر هم تکرار می‌کند، یعنی منتظر نمی‌ماند که آیه را تمام کند بعد تکرار کند. وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ، وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ، وَمَا لَكَ بِمَدَامَ تَتَكْرَرُ مِثْلَ ذَلِكَ؟» او می‌خواهد اهمّیت موقعیت را نشان بدهد؛ اهمّیت را می‌خواهد نشان بدهد. اگر همین طوری بخواند و عبور کند، یک چنین موقعیت مهمی مورد توجه مستمع قرار نمی‌گیرد. یک جوانی در یک اتاق خلوتی و یک زن آن چنانی‌ای با این اصرار متوجه او است و او امتناع می‌کند. این اهمّیت این مسئله است؛ یعنی می‌خواهد موقعیت را آن چنان مشخص کند در ذهن مخاطب که کانه دارد در مقابل چشم او اتفاق می‌افتد، لذاست که تکرار می‌کند. این جور تکرار هم در تلاوت‌های قراء خوب برجسته‌ی عرب کم است

که همین طور بلافاصله پشت سر هم تکرار کند. این یک نمونه است. اینها خوب است؛ اینها را اگر چنانچه دوستان تمرین کنند و این جور عمل کنند و اگر چنانچه مثلاً یک جایی اختلاف قرائتی وجود دارد، این را بیان کنند، به نظر می‌رسد خیلی خوب است» (بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۴۰۲/۱/۳، farsi.khamenei.ir/speech-content?id=52299).

در صورتی که تعدد قرائات در یک تلاوت واحد و حتی در یک فراز مجاز باشد، قاری باید با دقت کافی قرائات همسو با آیه را انتخاب کند؛ چرا که بر اساس برخی از قرائت‌ها، معنای آیه و مقصود الهی تغییر می‌کند و بدین ترتیب معنایی که قاری می‌خواهد به مخاطب خود منتقل کند، متفاوت خواهد شد.

۲. مبانی آواشناسانه

علم آواشناسی، شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی است که به بررسی نطق، تولید، انتخاب و ادراک اصوات زبانی می‌پردازد. برخی این علم را صوتیات یا علم صوت نیز می‌نامند (خولی، ۱۴۰۲: ۱۱۲). علم آواشناسی با بررسی دقیق جنبه‌های مختلف صوت، از مخارج و صفات حروف تا فشار، توقف و آوا، نقشی کلیدی در تلاوت صحیح قرآن ایفا می‌کند. شناخت دقیق مخارج و صفات حروف و همچنین به‌کارگیری صحیح فشار و توقف در حین تلاوت، تأثیرگذاری بیشتر را به ارمغان می‌آورد.

علم آواشناسی به قاری در رعایت احکام و قواعد تجویدی یاری می‌رساند. این علم همچنین به درک ارتباط ظریف بین آواها و معانی در قرآن کمک می‌کند و قاری را قادر می‌سازد تا در تلاوت خود به این ظرافت‌ها توجه نماید. شناخت تأثیر آواها بر احساسات، قاری را در انتقال بهتر مفاهیم و معانی عاطفی آیات یاری می‌رساند. تسلط بر علم آواشناسی، ابزاری قدرتمند در اختیار قاریان قرآن قرار می‌دهد تا به تلاوت معنا محورتر و اثرگذارتر نائل آیند.

۱-۲. آشنایی با تلفظ صحیح صامت‌ها

صامت‌ها، که شامل حروف الفبای زبان عربی هستند، در تلفظ با زبان فارسی تفاوت‌هایی دارند. در مقابل صامت‌ها، مصوت‌ها قرار می‌گیرند که به صداها کوتاه (فتحه، کسره و ضمه) و صداها کشیده (الف مدی، یاء مدی و واو مدی) اشاره دارند. تفاوت در کیفیت تلفظ این حروف در زبان عربی و فارسی اهمیت ویژه‌ای دارد.

آشنایی با تلفظ صحیح صامت‌ها ارتباط مستقیمی با تلاوت معنا محور قرآن دارد، زیرا صامت‌ها (حروف بی‌صدا) نقش اساسی در آواشناسی عربی و همچنین در انتقال دقیق معنای آیات ایفا می‌کنند.



هرگونه اشتباه در تلفظ این حروف می‌تواند به تغییر معنا و ایجاد ابهام یا تحریف در فهم پیام الهی منجر شود. به عنوان مثال، تفاوت در تلفظ حروفی مانند «ث» و «س» یا «ص» و «س» ممکن است معانی کاملاً متفاوتی را به ذهن شنونده منتقل کند.

رعایت قواعد تجوید (که بر تلفظ صحیح صامت‌ها تأکید دارد) نیز از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا عدم رعایت این قواعد می‌تواند باعث تغییر در معنای آیات شود. مقام معظم رهبری بر اهمیت و ضرورت تلفظ صحیح صامت‌ها تأکید داشته و در پاسخ به استفتایی در خصوص امام جماعتی که مخارج حروف را به درستی ادا نمی‌کند، چنین فرموده‌اند: «چنانچه قرائت امام جماعت از نظر مأموم صحیح نباشد، اقتدا به او و نماز جماعت باطل است» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۱۴۷).

ایشان در توصیه‌های خویش به قاریان به صورت مکرر به تلفظ صحیح حروف و حتی رعایت قواعد تجوید سفارش نموده‌اند. به عنوان نمونه، در بخشی از بیانات خویش در جمع قاریان فرمودند: «شما باید صحیح بخوانید. من می‌بینم که وقتی بعضی از قراء خوب ما می‌خوانند، هنوز در گوشه و کنار خواندن‌هایشان، بر روی مبانی عربی خوانی و تجوید، یک بخش‌های ناصحیح هست؛ این‌ها نباید باشد. مثلاً گاهی می‌شنویم که یک قاری، مقداری مد زیادی داده است؛ یا در جایی که می‌خواهد ادغام بکند، بی‌توجه در اول ادغام، میل به اخفا شنیده می‌شود. معلوم است که اینجا را می‌خواهید ادغام بکنید؛ اما شروع ادغام، مثل شروع اخفا می‌شود و ادغام را خراب می‌کند. این، غلط‌خوانی است» (بیانات در دیدار با قاریان قرآن، ۱۳۷۰/۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2440>).

قاریان قرآن برای اجرای تلاوت معنامحور نیازمند شناخت دقیق این اصول هستند تا معنای آیات را به درستی به مخاطب منتقل کنند.

۲-۲. آشنایی و تسلط بر اقسام و مواضع نبر در تلاوت

یکی از مباحث مهم در تلاوت معنامحور مسئله تسلط بر کیفیت و مواضع نبر است که با واژگان مختلفی از جمله: تکیه، فشار، استرس، آکسان از آن یاد می‌شود. ابراهیم انیس در تعریف نبر گفته است: «نبر عبارت است از فعالیت تمامی اندام‌های گفتار در یک زمان هنگام تلفظ (هجای تکیه‌دار؛ نبردار)» (انیس، بی‌تا، ۹۷-۹۹). مراد از نبر تکیه و تأکید است که روی بعضی از حروف یا صداها یا کلمات و حتی عبارت‌ها می‌شود که با شدت در صدا و یا مرتفع ساختن صدا ایجاد می‌شود و برای انتقال معنای آیات می‌توان از آن بهره جست.

کاربرد نبر به قدری در تلاوت مهم است که اگر نبر کلمات به درستی صورت نگیرد، موجب تغییر کلمات قرآنی می‌شود. به عنوان نمونه، در آیه «فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ» (قصص: ۲۴) اگر نبر روی

حرف «فاء» صورت گیرد، کلمه «فسقی» مشتق از «فسق» خواهد بود نه از «سقی» و باید در این کلمه نبر بر روی حرف «سین» صورت گیرد تا این کلمه معلوم گردد که ریشه‌اش از «سقی» است (اندری خلیفه، ۱۴۳۱: ۵۱).

مقام معظم رهبری در راستای بهره‌برداری صحیح از این موضوع، به تلاوت استاد مصطفی اسماعیل اشاره کردند و بیان داشتند که ایشان عبارت «أَنَا آتِيكَ» را به شیوه‌های مختلف تلاوت کرده و از این تنوع قرائت برای انتقال معنا استفاده نموده‌اند. در ادامه، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در یکی از بخش‌های سخنان خود تصریح فرمودند: «در سوره مبارکه نمل، أَيْكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ * قَالَ عَفْرِيْتُ مَنْ أَلْحِنُّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ. آن چنان این «أَنَا آتِيكَ بِهِ» را از زبان این عفریت جن تکرار می‌کند و بیان می‌کند، کأنه انسان دارد می‌بیند این عفریت جن را که با یک غروری می‌گوید من برایت می‌آورم، قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ. بعد [می‌فرماید]: قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ؛ یعنی [آن دیگری] زد تو دهن آن عفریت جنی، گفت قبل از اینکه چشمت را به هم بزنی من حاضر می‌کنم، که حاضر هم کرد. این را جوری می‌خواند که انسان کأنه دارد می‌بیند که این اتفاق دارد می‌افتد» (بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۴/۱/۱۴، ۱۴۰۱/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49983>).

۲-۲. آشنایی با ردیف‌ها و درجات صوتی

در تلاوت معنامحور، ردیف‌ها و درجات صوتی نقشی اساسی در انتقال مفاهیم و معانی قرآن کریم ایفا می‌کنند. در واقع، قاری با استفاده از این ابزارها می‌تواند به تلاوت خود عمق و زیبایی ببخشد و مفاهیم آیات را به طور واضح‌تر به مخاطب منتقل کند. یکی از مباحث مربوط به ردیف‌ها و درجات صوتی در تلاوت معنامحور، مبحث مواکبه است. مواکبه به معنای به‌کارگیری طبقات مختلف صوت برای بیان مؤثرتر مفاهیم است (شاه میوه اصفهانی، ۱۳۹۴: ۱۹۳).

مقام معظم رهبری در این زمینه به قاریان فرمودند: «یک مهندسی دیگر، مهندسی انخفاض و اعتلای صدایتان است؛ صدا را کی بالا ببرید، کی پایین بیاورید؛ این مهم است. بعضی‌ها صدا را بی‌مورد بالا می‌برند، جایی که اصلاً جای بلند کردن صدا نیست. باید تشخیص بدهید که کجا بایستی صدا را بلند کرد و با تن بلند باید خواند، کجا بایستی آرام خواند. البته در بعضی از تلاوتهایی که انسان از قراء معروف می‌شنود، به اصطلاح یک انخفاض و اعتلاهایی وجود دارد که حالا آنها مخصوص خودشان است، تکرار آنها هم به نظر ما خیلی مناسب نیست؛ خود شما بایستی تشخیص بدهید، توجه کنید که کجا بایستی صدا را بلند کرد، کجا بایستی آرام خواند» (بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۴/۱/۱۴، farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49983).



قاری با بهره‌گیری از مواکبه، بسته به محتوای آیه، می‌تواند از نواهای صوتی متنوع و ردیف‌های مختلف بهره‌برد تا عواطف، احساسات و پیام‌های آیه را به صورت بهتر به مخاطب انتقال دهد. به‌عنوان مثال، در تلاوت آیاتی که بیانگر ترس، هشدار یا مجازات هستند، قاری می‌تواند از طبقات صوتی پایین‌تر استفاده کند تا فضای تهدیدآمیز و قاطعیت مفهوم را به شنونده القا کند. برعکس، در آیاتی که حامل بشارت و رحمت هستند، قاری از طبقات صوتی بالاتر بهره می‌گیرد تا این احساسات را بهتر منتقل کند. این تغییرات صوتی نه تنها به زیبایی و جذابیت تلاوت می‌افزاید، بلکه مخاطب را به معنای آیات نزدیک‌تر می‌کند و کمک می‌کند تا او به عمق پیام قرآنی بیشتر پی ببرد. قاری قرآن باید مبنای خویش را نسبت به این مسئله روشن نماید که آیا برای انتقال معانی در تلاوت قرآن آشنایی با درجات صوتی را ضروری می‌داند و اساساً احتیاجی به آشنایی با ردیف‌ها و درجات صوتی است یا نه.

۴-۲. شناخت مسئله تنغیم

یکی از مبانی دیگر که قاری باید نسبت به آن آگاهی لازم داشته باشد، شناخت مسئله تنغیم در تلاوت قرآن کریم است. تنغیم به معنای تنظیم زیر و بمی صدا بر اساس نقش و ساختار هر جمله است و به عنوان یکی از ارکان اصلی تلاوت، نقش مهمی در انتقال معانی و مفاهیم آیات به مخاطب ایفا می‌کند. استفاده از تنغیم مناسب می‌تواند به عمق و زیبایی تلاوت افزوده و مفاهیم آیات را به صورت واضح‌تری منتقل کند.

در تلاوت معنامحور، تنغیم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا قاری با بهره‌گیری از این مسئله می‌تواند بر مفاهیم و معانی آیات تأکید کرده و آن‌ها را برای مخاطب برجسته‌تر نماید. در واقع، این پیش‌فرض بر این اصل استوار است که تغییرات آگاهانه در زیر و بمی صدا نقش مستقیمی در انتقال معانی دارد. قاری با فرض این اصل، فرآیند تلاوت را آغاز می‌کند، چرا که تنظیم صوت بر مبنای ساختار جمله و محتوای آن می‌تواند تأثیرگذارترین روش برای برجسته‌سازی معنا باشد. این پیش‌فرض از آن جهت اساسی است که بدون توجه به تنغیم، ممکن است معانی دقیق و ظرایف موجود در آیات به طور کامل به مخاطب منتقل نشود. قاری با آگاهی از این اصل، متعهد می‌شود که تلاوت خود را نه صرفاً از جنبه زیبایی‌شناختی، بلکه بر پایه اصولی که به انتقال مفهومی کمک می‌کند، بنا کند. از این منظر، تنغیم یک پیش‌فرض محسوب می‌شود؛ زیرا قاری به صورت ضمنی این اصل را پذیرفته و آن را به‌عنوان یک ضرورت در فرآیند تلاوت مدنظر قرار می‌دهد تا به هدف نهایی یعنی تلاوت معنامحور دست یابد.

جملات یک متن از نظر مفهومی می‌توانند به انواع مختلفی مانند خبری، پرسشی، شرطی، تمنایی، عتاب‌آلود یا هشداری تقسیم شوند. در اینجا مسئله تنغیم یا آهنگ گفتار نقش بسیار مهمی پیدا می‌کند.

به عنوان مثال، در جملات شرطی، باید حالت انتظار (زیر بودن صدا) تا زمانی که جواب شرط بیان می‌شود باقی بماند. همچنین، در جملات پرسشی، صدای خاتمه نباید حالت فرود داشته باشد. در نتیجه، استفاده مناسب از زیر و بمی صدا، معنی جمله را به طور دقیق‌تر به مخاطب منتقل می‌کند (شاه میوه اصفهانی، ۱۳۹۴: ۲۲۳-۲۲۶). اگر قاری تلاوت خویش را بر اساس این مبنا استوار نماید، تلاوت او با انتقال مفاهیم دارای تأثیرگذاری بیشتری در مخاطب خواهد شد.

مقام معظم رهبری قرائت استاد مصطفی اسماعیل را به عنوان الگو در این زمینه معرفی کرده، فرمودند: «یک مهندسی دیگری هم وجود دارد و آن کیفیت تلاوتی است که بتواند واقعه را مجسم کند در مقابل مستمع؛ یعنی جوری بخواند که شما که دارید می‌شنوید، کأنه دارید می‌بینید واقعه را؛ که در این قضیه استاد مسلم انصافاً شیخ مصطفی اسماعیل است، که فوق‌العاده است در این جهت. در آن آیات شریفه سوره قصص که «وَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْفِي حَتَّىٰ يَصْدِرَ الرَّعَاءُ وَابْنَا شَيْخٌ كَبِيرٌ * فَسَفِي لُهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ * فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَىٰ اسْتِحْيَاءٍ»، اینها را جوری می‌خواند که شما کأنه می‌بینید که این دختر دارد می‌آید و خجالت می‌کشد، که این خجالت ناشی از یک احساساتی است؛ رفته‌اند پیش پدرشان، صحبت این جوان را کرده‌اند و گفته خیلی خب، بروید دنبالش بگویید بیاید. (فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَىٰ اسْتِحْيَاءٍ) را چند بار تکرار می‌کند» (بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۴/۱/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49983>).

۳. مبانی موسیقایی

یکی از مبانی دیگر تلاوت معنامحور، مبانی موسیقایی است که قاری قرآن لازم است قبل از تلاوت معنامحور نسبت به آن آشنایی و تسلط داشته باشد؛ این پیش‌فرض بر این اساس است که انتقال مطلوب معانی بدون در نظر گرفتن جنبه‌های موسیقایی امکان‌پذیر نیست. همچنین، انتخاب لحن مناسب برای هر آیه بر اساس محتوای آن یک اصل اساسی است؛ بدین معنا که قاری باید این پیش‌فرض را بپذیرد که هر آیه نیاز به لحن خاصی دارد تا بتواند معنا و تأثیر آن را به درستی منتقل کند. چون بحث موسیقایی از مهم‌ترین مباحث در تلاوت معنامحور است و قاری قرآن باید آگاهی لازم در این زمینه را داشته باشد که مفاهیم مختلف قرآنی را با چه الحانی بخواند تا در مخاطب اثر مطلوب را داشته باشد.

مقام معظم رهبری در موارد متعددی از بیانات خویش در مورد اهمیت صوت و لحن و تأثیرگذاری آن در مستمعین، بیانات ارزشمندی را بیان نموده‌اند. به عنوان نمونه در بخشی از بیانات خویش فرمودند:



«قاری و تلاوت‌کننده‌ی قرآن، رساننده‌ی پیام خدای متعال به مستمعان است. یعنی شما که اینجا می‌نشینید تلاوت می‌کنید، دارید رسالتی انجام می‌دهید، دارید پیام‌آوری‌ای انجام می‌دهید، و پیام خدا را به دل‌های ما می‌رسانید؛ این خیلی مقام والا و برجسته‌ای است، این افتخار بسیار بزرگی است. برای اینکه این پیام را خوب منتقل کنید، ابزارهایی لازم است که یکی‌اش صدای خوب است، یکی‌اش شگردهای اثرگذاری است، مثل لحن و بعضی از خصوصیات دیگری که حالا بعضی را بعداً یک اشاره‌ی مختصری می‌کنم. و من می‌بینم بعضی از قراء عزیز ما، که من از رادیوی تلاوت صدایشان را می‌شنوم، با این نکات کاملاً آشنا نیستند و آنها را به کار می‌برند، از آنها استفاده می‌کنند و اثرگذاری تلاوتشان چند برابر می‌شود».

۱-۳. آشنایی و تسلط بر هماهنگ سازی الحان مناسب با مفاهیم آیات

یکی از ارکان اصلی تلاوت معنماحور، هماهنگی الحان با مفاهیم آیات است. در این نوع تلاوت، قاری با درک عمیق مفاهیم و مضامین آیات، لحن و صوت خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که به انتقال بهتر معنا و ایجاد ارتباط عمیق‌تر با مخاطب کمک کند. به طور مثال، کیفیت موسیقی در آیات دارای مفاهیم عذاب و تهدید کفار چگونه باید باشد و یا آیاتی که نعمت‌های بهشتی را توضیح می‌دهد و به بهشت بشارت می‌دهد با چه لحنی مناسب است خوانده شود. قاری قرآن قبل از تلاوت خویش باید با مبانی موسیقایی و الحان مناسب مفاهیم مختلف آیات آشنایی و تسلط داشته باشد تا بتواند تلاوت معنماحور انجام بدهد.

مقام معظم رهبری نسبت به این موضوع اشاره کرده و فرمودند: «يك نکته دیگر مهندسی تلاوت است. این چیزی است که من چند بار به بعضی از قرائی که پیش ما تلاوت کردند، خواسته‌ام بگویم فرصت نشده. یکی از چیزهایی که باید شما به عنوان قاری در نظر داشته باشید، مهندسی تلاوت است؛ باید این تلاوتتان را از پیش در ذهنتان مهندسی کنید. البته اینها طبعاً بعداً بتدریج برای انسان به شکل غریزی و عادی میشود، لکن در اول کار، اوایل کار تا مدتها مسلماً احتیاج دارد به اینکه توجه کنید. مهندسی یعنی چه؟ چند جور مهندسی هست: یکی انتخاب لحن مناسب برای هر بخش. مثلاً فرض کنید که همه لحنها برای لحن قصه مناسب نیست، یا همه لحنها برای آیات انذار از عذاب مناسب نیست؛ يك لحنهایی مناسب است، يك لحنهایی مناسب نیست؛ لحن مناسب با آن مضمون را باید پیدا کنید. بعضی از قراء مصری در این کار حَقّاً و انصافاً در سطح عالی‌اند که میدانند با چه لحنی بایستی این [آیات] را بخوانند؛ این که اگر انذار است، اگر وعید است، اگر بشارت است، اگر وعده بهشت است، اگر قصه است، هر کدام از اینها يك لحن را اقتضا دارد؛ باید مهندسی کنید» (بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۴/۱/۱۴، ۱۴۰۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49983>).

در کتاب «هنر قرائت» نوشته خانم کریستینا نلسون، داستانی جالب از شیخ زکریا احمد، ملحن و موسیقی‌دان مشهور مصری نقل می‌کند. روزی در حضور شیخ، فردی مشغول به تلاوت قرآن بود. هنگامی که به آیات مربوط به جهنم رسید، لحنی چنان زیبا و دلنشین به کار برد که شیخ زکریا بی‌اختیار فریاد زد: «اگر جهنم به این زیبایی که این قاری می‌خواند است، مرا هم به جهنم ببرید!» (شاه‌میوه اصفهانی، ۱۳۹۴: ۲۰۹). این حکایت، به حساسیت و قدرت لحن در تلاوت قرآن اشاره دارد؛ لحنی که می‌تواند مفاهیم هولناک را چنان زیبا و دلنشین بیان کند که حتی تصور جهنم نیز به امری مطلوب تبدیل شود.

۲-۳. شناخت الحان نامناسب

به طور کلی، هر نوع لحنی که با شان و عظمت قرآن کریم تناسب نداشته باشد، لحن نامناسب محسوب می‌شود و قاری باید قبل از تلاوت آشنایی اجمالی با الحان نامناسب با قرآن کریم داشته باشد تا بتواند تلاوت معنامحور تأثیرگذاری در مستمعان داشته باشد. این پیش‌فرض بر این اساس است که تلاوت قرآن باید همواره با احترام و بزرگ داشت آیات انجام شود، و هر لحن نامناسب می‌تواند به این شأن لطمه بزند و الحان نامناسب می‌تواند به طور قابل توجهی بر درک و احساسات شنوندگان تأثیر بگذارد. این شناخت به قاری این امکان را می‌دهد که با توجه به اصول بنیادین تلاوت، تأثیرگذاری مطلوبی بر مخاطب داشته باشد و در عین حال به حفظ حرمت و شأن قرآن نیز توجه کند.

مقام معظم رهبری در بخشی از بیانات خویش فرمودند: «لحن بایستی با موازین خودش ادا بشود، و الا اگر رعایت نشد، مطمئناً آن اثر مطلوب را نخواهد بخشید؛ گاهی اثر عکس میبخشد» (بیانات در محفل انس با قرآن، ۱۳۹۴/۳/۲۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29983>).

در روایات متعددی، کیفیت تلاوت قرآن مورد بحث قرار گرفته است. در این روایات، از تلاوت قرآن با لحن و نغمه‌ای که متناسب با مجالس لهُو و لعب و گناه است، نهی شده است. به عنوان نمونه، در روایت نبوی آمده است: «قرآن را با لحن‌ها و آوای عرب بخوانید، و از لحن اهل فسق و گناهکاران دوری کنید، زیرا به زودی پس از من کسانی می‌آیند که قرآن را مانند نغمه‌های غنا، آواز راهبان و نوحه می‌خوانند، دل‌هایشان و دل‌های کسانی که شیفته کارشان هستند، فریب خورده است» (قطب الدین راوندی، ۱۴۰۷: ۲۴، حدیث ۳۲ و شعیری، بی تا، ۴۹).

در برخی از روایات از خواندن قرآن شبیه اهل کتاب نهی شده است (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷: ۴/۲۴۲). طبق این روایات، هر زمانی یک لحنی شبیه خواندن اهل معصیت و مجالس گناه باشد، آن لحن را نمی‌توان در مورد آیات الهی استفاده نمود و بدیهی است که تلاوت قرآن با الحان اهل معصیت تأثیر منفی در شنونده خواهد گذاشت و تأثیر مطلوب از تلاوت قرآن را نخواهد گذاشت.



۴. مبانی تفسیری

برخی از مبانی تلاوت معنامحور به طور مستقیم با مفاهیم و تفسیر آیات قرآن مرتبط هستند. آشنایی قاری با این مبانی، موجب درک و انتقال بهتر مفاهیم قرآن در تلاوت معنامحور می‌شود. مقام معظم رهبری ضمن تأکید به این مطلب فرموده‌اند: «شما بایستی بدانید که مبلغ قرآنید، و تلاوتگران واقعاً نقش دارند، همین جلسات تلاوت خیلی نقش دارد، تربیت تلاوتگران خیلی کار بزرگ و مهمی است که انجام می‌گیرد و خدا را شکر که در کشور ما این رواج پیدا کرده و تلاوت با تذکر، با خشوع، با توجه عمیق به معنا. به معنا توجه کنید؛ اگر مثلاً یک بخشی از قرآن را در یک محفلی می‌خواهید تلاوت بکنید، این را در ذهنتان قبلاً آماده کنید؛ اگر مراجعه به تفسیر لازم دارد، مراجعه به ترجمه لازم دارد [مراجعه کنید]» (بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۴۰۰/۱/۲۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47709>).

در ادامه به دو نمونه از این مبانی که جزو مبانی تفسیری محسوب می‌شوند، پرداخته می‌شود:

۱-۴. آگاهی از معنا و تفسیر آیه برای انتخاب نغمات مناسب

تلاوت قرآن، زمانی به اوج اثرگذاری خود می‌رسد که با درک عمیق مفاهیم و معانی آیات الهی همراه باشد. قاری قرآن با تسلط بر تفسیر و مفاهیم آیات، قادر خواهد بود لحنی متناسب با آن معنا را انتخاب کند و تلاوت خود را به تجربه‌ای معنوی و اثرگذار برای خود و مخاطبان تبدیل کند. هرچه بیشتر با مفاهیم و تفسیر آیات آشنا تر باشد، تلاوتش از حس معنوی بیشتری برخوردار خواهد بود و بیشتر خواهد توانست در مخاطب تأثیر بگذارد؛ اما اگر تلاوت بدون درک عمیق مفاهیم و معانی آیات باشد، صرفاً لذتی موسیقایی به ارمغان می‌آورد و از معنویت لازم برای اثرگذاری بر مخاطب و ارتقای سطح ایمان و معرفت او برخوردار نخواهد بود.

۲-۴. شناخت قطعات یا رکوع‌های مناسب برای تلاوت

یکی از عواملی که می‌تواند در تلاوت معنامحور نقش مهمی داشته باشد، انتخاب قطعات یا رکوع‌های مناسب برای تلاوت است، زیرا هر رکوع، موضوع خاص خود را دارد و تقسیم رکوع‌ها بر اساس مفاهیم آیات است که این خود یک اصل بنیادین در تفسیر است. رکوع در لغت به معنای «ختم شدن» است و در اصطلاح تقسیمات قرآنی، به نوع ویژه‌ای از تقسیمات اطلاق می‌شود که با علامت «ع» مشخص شده است. تفاوت این تقسیم با سایر تقسیمات قرآنی این است که در این تقسیم سعی شده که مفهوم آیات، ملاک تقسیم قرار گیرد و نه شمار حروف یا کلمات (مستفید و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۵).

رکوع در اصل قسمتی است که برای قرائت روزانه تقسیم شده است و تعداد آن در کل قرآن ۵۵۸ عدد است (زراری، ۱۳۶۹: ۱۵۵). در مورد تعداد رکوع‌های قرآن اختلاف نظر وجود دارد ولی نظر مشهور در مورد تعداد رکوع ۵۴۰ فقره است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵: ۱۴۱/۱ و روح بخش، ۱۳۸۹: ۱۹/۱). انتخاب قطعاتی که از نظر مفهومی کامل و مرتبط با یکدیگر باشند، درک و فهم آیات را برای مخاطب آسان‌تر می‌کند و به تلاوت انسجام و زیبایی می‌بخشد.

در مقابل، تلاوت ناقص آیات، به‌ویژه اگر از اواسط یا انتهای یک رکوع آغاز شود، می‌تواند در انتقال مفاهیم و معانی اختلال ایجاد کند. در این حالت، مخاطب از درک کامل منظور آیه یا آیات محروم می‌شود و تلاوت اثر مطلوب خود را نخواهد داشت.

۵. مبانی وقف و ابتدا

بدون شک یکی از مهم‌ترین مباحث در تلاوت قرآن به‌ویژه تلاوت معنا محور، شناخت و تسلط بر محل‌های مناسب برای وقف و ابتدا است. این مطلب به قدری مهم است که امیرالمؤمنین علیه السلام در ذیل آیه «ورتل القرآن ترتیلاً» (مزل، (۷۳)، ۴) فرمودند: «ترتیل رعایت محل وقف و نیکو ادا کردن حروف هست» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۲۳/۶۴) و در روایتی دیگر نیز شبیه همین عبارت را بیان فرمودند: «ترتیل رعایت محل وقف و بیان نیکوی حروف است» (همان: ۱۸۸/۸۱).

روایات مذکور اهمیت مسئله وقف و ابتدا را نشان می‌دهد که برای بیان معنای ترتیل نصف تعریف را به شناخت و رعایت محل وقف اختصاص داده است. مقام معظم رهبری به صورت مکرر در بیانات خویش به قاریان قرآن کریم متذکر این مطلب شده‌اند که قاری قرآن باید بر موارد صحیح وقف و ابتدا تسلط داشته باشد. چنانچه در بخشی از بیانات خویش فرمودند: «من مکرر به برادرانی که اهل تلاوت قرآنند، یادآور شده‌ام: شما نمی‌توانید یک تلاوت خوب بکنید درحالی‌که نمیدانید کجا باید وصل کنید، کجا باید وقف کنید» (بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن، ۱۳۶۸/۱۲/۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2270>).

در سخنرانی دیگر خویش با تأکید بر مؤثر بودن وقف و ابتدا در انتقال معنا فرمودند: «ببینید کجا بایستی آیه را کوتاه کرد؛ کجا باید وقف کرد؛ کجا بایست با وقف، معنایی را نشان داد» (بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن، ۱۳۸۳/۷/۲۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3255>).

ایشان در برخی بیانات خویش تقلید محض قاری از وقف و ابتدای قاریان مصری را مذمت نموده و فرمودند: «بعضی از برادران قرآن می‌خوانند، اما قطع و وصلها غلط است... در قرائت، اصلاً این یک



علم است که کجا بایستی آیه را وصل، و کجا باید قطع کرد. نگویید فلان کس در مصر خوانده؛ بیخود کرده خوانده است! مگر هر کس هرچه خواند، همان برای شما حجت می‌شود؟ واقعاً ببینید آیه چیست. از همه راحت‌ترش، همین علایم وقفی است که گذاشته‌اند. در قرآنهاى جدید، «الوصل اولی» و «الوقف اولی» را به صورت «صلی» و «قلی» نوشته‌اند. با این روش، کار را راحت کرده‌اند. اگر این را هم مراعات نمی‌کنید، لااقل همین شکل‌هایی که معمول قرآنها گذاشته‌اند - مثل «ج» و «ط» و «م» - رعایت کنید. معمولاً آیه را وصل نکنید، مگر در جاها و مواردی؛ و الا خود آیه یک فصل است. اگر یک وقت به معانی قرآنی مسلط شدید، آن وقت البته می‌توانید به سلیقه و به فهم خودتان خیلی کارها بکنید؛ اما وقتی که هنوز بر معانی مسلط نیستید، این کار را نکنید» (بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن، ۱۳۷۰/۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2440>).

ایشان حتی در برخی از بیانات خویش به نمونه‌ای از تاثیر مستقیم وقف و ابتدا در معنا مثال زده و فرمودند: «وقتی شما می‌گویید: «وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ»، از این عبارت، ما يك طور چیزی می‌فهمیم؛ اما وقتی می‌گویید: «وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ» با يك فاصله کم، نفس را می‌کشید طور دیگری می‌فهمیم. این دومی درست است. وقتی شما به شکل اول می‌گویید، می‌توان این معنا را استنباط کرد که «سبحانه» هم مقول قول همان کسانی است که گفتند: «اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا» (بیانات در پایان مراسم قرائت قاریان قرآن، ۱۳۶۹/۱/۱۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2289>).

قاری قرآن نمی‌تواند کل قرآن را به یک نفس بخواند و ناگزیر از وقف کردن است و باید محل وقف مناسبی را انتخاب نماید مگر اینکه وقف او اضطراری باشد و در این صورت نیز باید بلافاصله تلاوت خویش را از محل مناسبی شروع نماید. انتخاب محل وقف مناسب، به درک صحیح معنا و انتقال آن به مخاطب کمک می‌کند. در غیر این صورت، اگر وقف در محل نامناسبی انجام شود، ممکن است معنای آیه یا آیات قرآن به درستی منتقل نشود و تلاوت، اثر مطلوب خود را نداشته باشد. البته در مواردی، وقف قاری اضطراری است. به‌عنوان مثال، ممکن است قاری به دلیل کمبود نفس، عطسه یا سرفه، ناچار به وقف کردن شود. در این گونه موارد، قاری باید پس از رفع مشکل، بلافاصله تلاوت خود را از محل مناسبی آغاز کند تا انسجام معنایی تلاوت حفظ شود.

۱.۵. آشنایی و تسلط بر محل‌های صحیح وقف و پرهیز از وقف بر محل نامناسب

انتخاب محل مناسب برای وقف در هر زبان و متنی، چه در هنگام صحبت و چه در هنگام خواندن، امری ضروری است. گوینده یا خواننده ناچار است در جایی توقف کند تا نفس بگیرد و سپس به کلام یا خواندن ادامه دهد. اهمیت انتخاب محل مناسب برای وقف در این است که معنای کلام گوینده به هم

نریزد و مراد گوینده به درستی منتقل شود. مثال مشهوری در این زمینه ذکر شده است که در حکم قاضی در مورد شخص اعدامی که گفته است: «بخشش لازم نیست اعدامش کنید»، اگر وقف بر روی «بخشش» صورت گیرد معنایش عفو آن مجرم است و دیگر اعدام لازم نیست؛ ولی اگر وقف بر روی کلمه «نیست» صورت بگیرد، معنایش وجوب اعدام آن شخص است و او را اعدام خواهند کرد.

در قرائت قرآن نیز، گاه وقف بر کلمه‌ای خاص، معنای کلام را دگرگون می‌کند. در برخی از موارد این دگرگونی تا حدی است که به تناقض و حتی به کفرگویی می‌انجامد. در این زمینه، ابوعمرو الدانی در کتاب خویش حدیثی را از پیامبر ﷺ نقل کرده است که: روزی دو نفر به محضر حضرت رسول اکرم ﷺ شرفیاب شدند و اسلام آوردند. یکی از آنان کلمه شهادتین را بیان کرد و گفت: «مَنْ يُطِيعَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ رَشَدَ وَ مَنْ يَعْصِيهِمَا» و در این قسمت از کلام خویش «وقف» نمود و سپس ادامه داد «فَقَدْ غَوَى». پیامبر ﷺ فرمودند: بلند شو، تو بد گوینده‌ای هستی (الدانی، ۱۳۸۲: ۴/۱). چون در این صورت معنای کلام تغییر پیدا کرده، چنین می‌شود: «هرکس از خدا و پیامبر ﷺ اطاعت کند یا نافرمانی کند هدایت یافته است» در حالی که این معنا درست نیست و اگر آن شخص می‌خواست وقف نماید باید در کلمه «رَشَدَ» وقف می‌کرد و دوباره از «وَمَنْ يَعْصِيهِمَا» شروع می‌کرد.

چنین موارد حساس در وقف و ابتدا در بسیاری از آیات قرآن نیز وجود دارد و قاری باید بر مواضع صحیح وقف و ابتدا تسلط داشته باشد. به عنوان نمونه در این آیات، وقف کردن بر این عبارات قبیح است؛ مثلاً وقف بر عبارت «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي» (بقره: ۲۶) یا عبارت «مَا مِنْ إِلَهٍ» (ص: ۶۵). همچنین در آیه: «أَنْهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ...» (غافر: ۶ و ۷) اگر کسی بر کلمه «نار» وقف نکند و دو آیه را وصل کند، این گونه توهم می‌شود که اصحاب آتش عرش الهی را حمل می‌کنند. برای رفع مشکل در این آیه باید بر پایان آیه ۶ وقف کرد تا معنا اشتباه نشود. مثال دیگر آیه: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ» (مانده: ۲) است. در این آیه وقف بر کلمه «تَعْتَدُوا» واجب است و اگر وصل صورت گیرد، چنین توهم می‌شود که فعل «تَعَاوَنُوا» فعل مضارع است و بر فعل «تَعْتَدُوا» عطف شده است و به خاطر دخول «أَنْ» ناصبه بر سر آن، نون آخر فعل حذف شده است؛ در حالی که با این فرض معنای آیه تغییر می‌کند و چنین معنا می‌دهد: «دشمنی با گروهی که مانع وارد شدن شما به مسجد الحرام شدند باعث نشود به آن‌ها ستم کنید و همدیگر را بر نیکی و تقوی یاری کنید». در این صورت، یاری کردن همدیگر در کارهای نیک و تقوی مورد نهی واقع می‌شود و بدیهی است که این معنا مراد الهی نیست. «تَعَاوَنُوا» در آیه فعل امر است و حذف شدن نون از آخر آن به خاطر فعل امر بودن آن است، نه دخول «أَنْ» ناصبه.



۲-۵. انتخاب محل صحیح ابتدا و پرهیز از ابتدا از محل نامناسب

انتخاب محل صحیح ابتدا و شروع آیات نیز به اندازه وقف صحیح اهمیت دارد و اگر ابتدا به صورت صحیح انجام نشود، در بسیاری از آیات معانی تغییر و اشتباه می‌گردد. به عنوان نمونه در آیه «لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ» (آل عمران: ۱۸۱)، اگر کسی از عبارت «إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ» شروع کند، این عبارت، جمله خبری می‌شود و چنین معنا می‌دهد: «خداوند فقیر و نیازمند است و ما بی نیاز هستیم» در حالی که این کلام یهودیان است و خداوند کلام آن‌ها را حکایت می‌کند. قاری نباید از این عبارت شروع کند.

برای دفع این توهم، لازم است که قاری چند کلمه قبل تر از جای مناسبی شروع به خواندن کند تا معنای کلام به صورت صحیح به مخاطب منتقل شود.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که دستیابی به تلاوت معنامحور در سطح مطلوب، مستلزم آشنایی و تسلط قاریان قرآن بر مبانی تلاوت معنامحور است. مقام معظم رهبری در بسیاری از بیانات خود به این مبانی اشاره کرده‌اند و ضرورت دارد که قاریان تلاوت خود را بر اساس این اصول انجام دهند.

در ابتدا، مبانی علوم قرآنی مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس این مبانی، قاریان باید تلاوت خود را بر اساس قرائت‌های صحیح و معتبر انجام دهند و از برخی قرائات شاذ اجتناب کنند. در ادامه، مبانی آواشناسی تحلیل شد و به موضوعاتی چون تلفظ صحیح صامت‌ها برای جلوگیری از تغییر معنای واژگان، تسلط بر اقسام و مواضع نبر، آشنایی با ردیف‌ها و درجات صوتی و همچنین شناخت مفهوم تنغیم اشاره شد. هر یک از این عناصر نقش مهمی در انتقال معنا به مخاطب ایفا کردند.

علاوه بر این، مبانی موسیقایی تلاوت مورد توجه قرار گرفت و بر اهمیت هماهنگی الحان با مفاهیم آیات و پرهیز از استفاده از الحان نامناسب تأکید شد. در بخش تفسیری، پژوهش به شناسایی قطعات و رکوع‌های مناسب برای تلاوت پرداخته و همچنین به اهمیت آگاهی از معنا و تفسیر آیات جهت انتخاب الحان مناسب اشاره کرد.

در نهایت، مبانی وقف و ابتدا نیز مورد بررسی قرار گرفت. در این بخش، بر اهمیت تسلط بر محل‌های صحیح وقف و اجتناب از وقف در محل‌های نامناسب تأکید شد. همچنین انتخاب صحیح محل ابتدا و پرهیز از ابتدای نادرست، به طور خاص مورد توجه قرار گرفت، چرا که هرگونه اشتباه در این موارد می‌توانست منجر به تغییر معنا و مفهوم کلام الهی گردد.

در مجموع، این پژوهش نشان داد که شناخت دقیق مبانی تلاوت معنامحور و اجرای رویکرد صحیح بر اساس این اصول، نه تنها به قاریان امکان داد تلاوتی در سطح مطلوب ارائه دهند، بلکه بر تأثیرگذاری آن بر قاری و مستمعان نیز تأثیر چشمگیری داشت و این اصول به طور مکرر در فرمایشات مقام معظم رهبری مطرح شده است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷.
۳. ابن سبکی، عبدالوهاب بن علی، جمع الجوامع فی اصول الفقه، محقق: عبدالمنعم خلیل ابراهیم، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق.
۴. ابن جزری، محمد بن محمد، النشر فی القراءات العشر، بیروت: دارالکتب العلمیة، بی تا.
۵. منجد المقرئین ومرشد الطالبین، محقق: عمیرات، زکریا، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۶. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الأعظم، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۷. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الإعلام الإسلامی مرکز النشر، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول، بی تا.
۹. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۱۰. اندری خلیفة، وحی، النبر فی مرتل عبد الرحمن السدیس دراسة تحليلیة صوتیة، محقق: عبد الوهاب رشیدی، مالانگ- اندونزی: الجامعة الإسلامیة الحکومیة، ۱۴۳۱ق.
۱۱. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۱۲. انیس، ابراهیم، الأصوات اللغویة، مصر: مکتبة نهضة مصر، بی تا.
۱۳. بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، تهران: اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
۱۴. تاج الدین السبکی، عبد الوهاب بن علی، جمع الجوامع فی أصول الفقه، محقق: عبد المنعم، خلیل ابراهیم، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ دوم، ۱۴۲۴ق.



۱۵. جرمی، ابراهیم، معجم علوم القرآن، دمشق: دارالقلم، ۱۴۲۲ق.
۱۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
۱۷. حسنی، نذیر، دروس فی علوم القرآن، قم: مرکز المصطفی ﷺ العالمی للترجمة و النشر، ۱۳۹۲.
۱۸. ، غانم قدوری، حمد، الدراسات الصوتیه عند علماء التجوید، عمان: دارعمار، ۱۴۲۴ق.
۱۹. خامنه‌ای، علی، أجوبة الإستفتانات، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۴۰۰ش.
۲۰. خولی، محمدعلی، معجم علم الأصوات، [بی جا]، مطابع الفرزدق التجارية، ۱۴۰۲ق.
۲۱. الدانی، عثمان بن سعید، المكتفی فی الوقف و الابتداء فی کتاب الله عزوجل، محقق: دولتی، کریم، قم: اسوه، ۱۳۸۲.
۲۲. درکزی، حسن بن اسماعیل، خلاصة العجالة فی بیان مراد الرسالة فی علم التجوید، محقق، جبوری، خلف حسین، بغداد: مرکز البحوث و الدراسات الإسلامية، ۱۴۳۳ق.
۲۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران موسسه انتشارات و چاپ، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۲۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی، پرسش‌ها و پاسخ‌های قرآنی، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۵.
۲۶. _____، منطق تفسیر قرآن (۱)، قم: جامعة المصطفی العالمية، ۱۳۸۷.
۲۷. روح بخش، علی، دانشنامه ی سوره‌های قرآنی، قم: ورع، ۱۳۸۹.
۲۸. زراری، ابوغالب، تاریخ آل اعین، محقق: حسینی جلالی، سید محمدرضا، قم: مرکز البحوث و التحقیقات الاسلامیه، ۱۳۶۹.
۲۹. سبزواری، ملاهادی، شرح منظومه، محقق: حسن زاده آملی، حسن، تهران: ناب، ۱۴۱۷ق.
۳۰. سخاوی، علی بن محمد، جمال القراء و کمال الاقراء، محقق: سیف القاضي، عبدالحق عبدالایم، بیروت: مؤسسة الکتب الثقافیة، ۱۴۱۹ق.

۳۱. سعیدی روشن، محمدباقر، آشنایی با علوم قرآن، بی جا، بی نا، بی تا.
۳۲. شاه میوه اصفهانی، غلامرضا، مهارت های تنگیمی و القا معانی در هنر تلاوت قرآن، اصفهان: رنگینه، ۱۳۹۴.
۳۳. شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، نجف: مطبعة حیدریه، چاپ اول، بی تا.
۳۴. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الکتب، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۳۵. صبحی، صالح، مباحث فی علوم القرآن، قم: الشریف الرضی، ۱۳۷۲.
۳۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
۳۷. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ ششم، ۱۳۷۱.
۳۸. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، الدعوات (للاوندی) / سلوة الحزین، قم: انتشارات مدرسه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.ش.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط-الإسلامیة)، محقق: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۴۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار (ط - بیروت)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۴۱. زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۴۲. مستفید، حمیدرضا، تقسیمات قرآنی و سور مکی و مدنی، محقق، دولتی، کریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۴.
۴۳. مصطفی، ابراهیم، المعجم الوسیط، استانبول - ترکیه: دارالدعوة، چاپ اول، ۱۹۸۹م.
۴۴. معلوف، لويس، المنجد فی اللغة، قم: اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۳۷۱.



۴۵. معرفت، محمدهادی، آموزش علوم قرآنی، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، چاپ نهم،

۱۳۸۷.

۴۶. مهنا، عبدالله علی، لسان اللسان، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

۴۷. نفیسی، علی اکبر، فرهنگ نفیسی، تهران: خیام، چاپ اول، ۱۳۴۲ق.

۴۸. سایت: <https://farsi.khamenei.ir>.

Resources

1. *Qurān Karīm (The Holy Quran)*.
2. Al-Dānī, 'Uthmān bin Sa'īd, *Al-Muktafī fī al-Waqf wa al-Ibtidā' fī Kitābullah 'azza wa Jall (The Sufficient Guide to Pause and Beginning in the Book of Allah, the Exalted)*, Edited by Dawlatī, Karīm, Qom: Oswāh, 1382 SH (2003 CE).
3. Andarī Khalīfah, Wahī, *Al-Nibr fī Martil 'Abd al-Rahmān al-Sudays: Dirasah Tahlīlīyah Ṣawtiyah (Stress in the Recitation of 'Abd al-Rahmān al-Sudays: An Analytical Auditory Study)*, Edited by 'Abd al-Wahhāb Rashīdī, Malang, Indonesia: Al-Jāmi'ah al-Islāmīyah al-Ḥukūmīyah, 1431 AH (2010 CE).
4. Anīs, Ibrāhīm, *Al-'Aṣwāt al-Lughawīyah (Linguistic Sounds)*, Egypt: Maktabat Nahdat Miṣr, n.d.
5. Anwarī, Ḥasan, *Farhang-i Buzurg-i Sukhan (Great Dictionary of Speech)*, Tehran: Sukhan, 1st Edition, 1384 SH (2005 CE).
6. Azharī, Moḥammad bin Aḥmad, *Tahdhīb al-Lughah (Refinement of Language)*, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, 1st Edition, 1421 AH (2001 CE).
7. Bustānī, Fu'ād Afrām, *Farhang-i Abjadī (Alphabetical Dictionary)*, Tehran: Islāmī, 2nd Edition, 1375 SH (1996 CE).
8. Dehkhodā, 'Alī Akbar, *Lughat Nāmāh (Dictionary)*, Tehran: University of Tehran, Institute of Publications and Printing, 2nd Edition, 1377 SH (1998 CE).
9. Derkazli, Ḥasan bin Ismā'īl, *Khilāṣat al-'Ajālah fī Bayān Murād al-Risālah fī 'Ilm al-Tajwīd (Summary of the Fundamentals of the Science of Tajwīd)*, Edited by Jabbūrī, Khālīf Ḥusayn, Baghdad: Markaz al-Buḥūth wa al-Dirāsāt al-Islāmīyah, 1433 AH (2014 CE).
10. Ghanam Qadūrī, Ḥamad, *Al-Dirāsāt al-Ṣawtiyah 'Inda 'Ulāmā' al-Tajwīd (Phonetic Studies Among the Scholars of Tajwīd)*, 'Amman: Dār 'Amār, 1424 AH (2004 CE).
11. Ḥasanī, Nazīr, *Durūs fī 'Ulūm al-Qurān (Lessons in Quranic Sciences)*, Qom: Markaz al-Muṣṭafā (s) 'Ālamī li-Tarjamah wa al-Nashr, 1392 SH (2013 CE).
12. Ibn Athīr Jazārī, Mubārak bin Moḥammad, *Al-Nihāyah fī Gharīb al-Ḥadīth wa al-Athar (The End of the Unknown in the Hadīth and Narrations)*, Qom: Maktabah Ismā'īlīān, 4th Edition, 1367 SH (1988 CE).
13. Ibn Fāris, Aḥmad bin Fāris, *Mu'jam Maqāyīs al-Lughah (The Dictionary of Language Standards)*, Qom: Maktabah al-'Ilm al-Islāmī, 1st Edition, 1404 AH (1984 CE).
14. Ibn Jazari, Moḥammad bin Moḥammad, *Al-Nashr fī al-Qirā'āt al-'Ashr (The Spread of the Ten Recitations)*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah, n.d.
15. Ibn Jazari, Moḥammad bin Moḥammad, *Manjid al-Muqri'īn wa Murshid al-Ṭālibīn (The Guide for Reciters and the Teacher of Seekers)*, Edited by 'Amīrāt, Zakariyyā, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah, 1st Edition, 1420 AH (1999 CE).
16. Ibn Manzūr, Moḥammad bin Makram, *Lisān al-'Arab (The Tongue of the Arabs)*, Beirut: Dār al-Fikr li-l-Ṭibā'ah wa al-Nashr wa al-Tawzī', 1st Edition, n.d.



17. Ibn Sabkī, 'Abd al-Wahhāb bin 'Alī, *Jam' al-Jawāmi' fī Uṣūl al-Fiqh (The Collection of Principles of Jurisprudence)*, Edited by 'Abd al-Mun'im Khalīl Ibrāhīm, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah, 1424 AH (2003 CE).
18. Ibn Sīda, 'Alī bin Ismā'il, *Al-Muḥkam wa al-Maḥīṭ al-A'zam (The Strong and the Greatest Sea)*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah, 1st Edition, 1421 AH (2000 CE).
19. Jawharī, Ismā'il bin Ḥamād, *Al-Ṣiḥāḥ (The Correct Lexicon)*, Beirut: Dār al-'Ilm li-l-Malayīn, 3rd Edition, 1404 AH (1984 CE).
20. Jurmī, Ibrāhīm, *Mu'jam 'Ulūm al-Qurān (Dictionary of Quranic Sciences)*, Damascus: Dār al-Qalam, 1422 AH (2002 CE).
21. Khāmene'i, 'Alī, *Ajwibat al-Istifta'āt (Answers to Religious Inquiries)*, Tehran: Intishārāt Inqilāb Islāmī, 1400 SH (2021 CE).
22. Khūlī, Moḥammad 'Alī, *Mu'jam 'Ilm al-'Aṣwāt (Dictionary of Phonetic Science)*, [N.p.]: Maṭābī' al-Farzaḍq al-Tijāriyah, 1402 AH (1982 CE).
23. Kulaynī, Moḥammad bin Ya'qūb, *Al-Kāfī (The Sufficient Source for Narrations)*, Edited by Ghaffārī, 'Alī Akbar and Ākhundī, Moḥammad, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah, 4th Edition, 1407 AH (1987 CE).
24. Ma'lūf, Lu'īs, *Al-Munjid fī al-Lughah (The Guide to the Language)*, Qom: Ismā'ilīān, 3rd Edition, 1371 SH (1992 CE).
25. Ma'refat, Moḥammad Hādī, *Āmūzish-'Ulūm-i Qurānī (Teaching Quranic Sciences)*, Qom: Maktabah al-Tamhīd, 9th Edition, 1387 SH (2008 CE).
26. Mahna, 'Abdullah 'Alī, *Lisān al-Lisān (The Language of Language)*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah, 1st Edition, 1413 AH (1993 CE).
27. Majlisī, Moḥammad Bāqir, *Bihār al-Anwār (Seas of Light)*, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, 2nd Edition, 1403 AH (1983 CE).
28. Mustafā, Ibrāhīm, *Al-Mu'jam al-Wasīṭ (The Intermediate Dictionary)*, Istanbul - Turkey: Dār al-Da'wah, 1st Edition, 1989 CE.
29. Nafīsī, 'Alī Akbar, *Farhang-i Nafīsī (The Nafīsī Dictionary)*, Tehran: Khayyām, 1st Edition, 1342 AH (1963 CE).
30. Qarashī, 'Alī Akbar, *Qāmūs al-Qurān (Dictionary of the Quran)*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah, 6th Edition, 1371 SH (1992 CE).
31. Quṭb al-Dīn Rāwandī, Sa'id bin Hibbīullah, *Al-Da'awāt (Li-Rāwandī) / Sulwat al-Ḥazīn (The Supplications of Rawandī / The Consolation of the Saddened)*, Qom: Intishārāt Madrasah Imām Mahdī ('Ajallāhu Ta'ālā Farajuhū al-Sharīf), 1st Edition, 1407 AH (1987 CE).
32. Rāghib Isfahānī, Ḥusayn bin Moḥammad, *Mufradāt Alfāz al-Qurān (The Vocabulary of the Quran)*, Beirut: Dār al-Shāmīyah, 1st Edition, 1412 AH (1992 CE).
33. Rezaeī Isfahānī, Moḥammad 'Alī, *Mantiq-i Tafṣīr Qurān (1) (Logic of Quranic Exegesis [Volume 1])*, Qom: Jāmi'at al-Muṣṭafā al-'Ālamīyah, 1387 SH (2008 CE).
34. Rezaeī Isfahānī, Moḥammad 'Alī, *Porshesh-hā wa Pāsukh-hā-ye Qurānī (Quranic Questions and Answers)*, Qom: Pajūhishhā-ye Tafṣīr wa 'Ulūm al-Qurān, 1385 SH (2006 CE).
35. Rūhbakhsh, 'Alī, *Dānishnāmah-ye Sūrah-hā-ye Qurānī (Encyclopedia of Quranic Surahs)*, Qom: Wara', 1389 SH (2010 CE).

36. Sa'idī Rūshan, Moḥammad Bāqir, *Āshnā'ī bā 'Ulūm al-Qurān (Introduction to Quranic Sciences)*, [N.p.], n.p., n.d.
37. Sabzawārī, Mullā Ḥādī, *Sharḥ Manzūmah (Explanation of the Poem)*, Edited by Hasan Zādah Āmulī, Hasan, Tehran: Nāb, 1417 AH (1997 CE).
38. Ṣāḥib bin 'Abbād, Ismā'īl bin 'Abbād, *Al-Maḥīṭ fī al-Lughah (The Sea of Language)*, Beirut: 'Ālam al-Kutub, 1st Edition, 1414 AH (1994 CE).
39. Sakhāwī, 'Alī bin Moḥammad, *Jamal al-Qurrā' wa Kamāl al-Aqrā' (The Beauty of the Reciters and the Perfection of the Recitation)*, Edited by Saif al-Qāzī, 'Abd al-Ḥaqq 'Abd al-Dāyim, Beirut: Mu'assasat al-Kutub al-Thaqāfiyah, 1419 AH (1998 CE).
40. Sha'irī, Moḥammad bin Moḥammad, *Jāmi' al-Akhhbār (The Comprehensive Report)*, Najaf: Maṭba'ah Ḥaydarīyah, 1st Edition, n.d.
41. Shāh Mīwah Isfahānī, Ghulāmrezā, *Mahārath-hā-ye Tanghīmī wa Ilqā Ma'ānī dar Honar Tilāwat Qurān (Skills in the Art of Reciting and Conveying Meanings in Quranic Recitation)*, Isfahan: Rangīnah, 1394 SH (2015 CE).
42. Ṣubḥī, Ṣāliḥ, *Mabāḥith fī 'Ulūm al-Qurān (Discussions on Quranic Sciences)*, Qom: al-Sharīf al-Tabṭabā'ī, 1372 SH (1993 CE).
43. Tabarsī, Faḍl bin Ḥasan, *Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qurān (The Comprehensive Commentary on the Quran)*, Tehran: Nāṣir Khosrow, 3rd Edition, 1372 SH (1993 CE).
44. Tāj al-Dīn al-Subkī, 'Abd al-Wahhāb bin 'Alī, *Jam' al-Jawāmi' fī Uṣūl al-Fiqh (The Collection of Principles of Jurisprudence)*, Edited by 'Abd al-Mun'im Khalīl Ibrāhīm, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah, 2nd Edition, 1424 AH (2003 CE).
45. Zabidī, Moḥammad bin Moḥammad, *Tāj al-'Urūs min Jawāhir al-Qāmūs (The Crown of the Bride from the Jewels of the Dictionary)*, Beirut: Dār al-Fikr, 1st Edition, 1414 AH (1994 CE).
46. Zarrārī, Abū Ghālīb, *Tārīkh Āl A'in (History of the Al-A'in Family)*, Edited by Ḥusaynī Jalālī, Sayyid Moḥammad Rizā, Qom: Markaz al-Buḥūth wa al-Taḥqīqāt al-Islāmīyah, 1369 SH (1990 CE).
47. Website: <https://farsi.khamenei.ir>.